

متن پرسش

بسمه تعالی سلام: شما در بحث هدف حیات فرمودید ملائکه ای که مورد خطاب سجده قرار گرفته اند در مقام اسم تقدیس و تسبیح بودند حال از آن طرف می فرمایید ابلیس به این مقام اختیارا رسیده بود. سوال اینجاست که هم ابلیس و هم ملائکه در یک مقامند، از طرفی قرآن می فرماید شیطان از کافران بود و کفرش به مقام انسان بود و مانع سجده او شد. خوب شیطان که دفعتا کافر نشد مثلا بگوییم در مقام تسبیح و تقدیس بود حالا دفعتا کافر به مقام انسان شد، پس معلوم است نقصی در شخصیت خود داشته است حالا بروز داده است. اگر نقایصی داشته پس مگر می شود با نقصهایی و عیبهایی مثل کبر و کفر به مقامات عالیه ی مثل اسم تقدیس و تسبیح هم رسید اگر نقایصی نداشته و ظرفیت ابلیس همان اسم تسبیح و تقدیس بود، خوب حالا ظرفیتش را پر کرده است اختیارا نه، و به مقام خود رسیده؟ و دیگر نقصی نداشته؟ پس حتما باید سجده کند ولی حالا سجده نکرده پس معلوم است مشکلی دارد، در حالی که جنابعالی در بحثهای خود فرمودید قابل باید قابل فیض بشود تا فیض عالی را دریافت کند، حالا شیطان به مقام ملائکه رسیده پس قابلیت آن را داشته، و به حق خود که این دو اسم است رسیده است، پس ظاهرا باید مشکلی نداشته باشد. لطفا این تعارض را با توضیح در ذهن ما حل کنید. آیا می شود ابلیس را با مصادیق انسانی که مقاماتی در عالم داشته اند مثل بلعم باعورا و برحیصای عابد مقایسه کنیم و بگوییم می شود به مقاماتی رسید و در عین حال نقص های در شخصیت داشت ؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جنّ و انس از نظر ظرفیت می‌توانند به توحید کامل برسند. شیطان در ابتدای امر، مقدسی بود که به توحید کامل نرسیده بود و با ظهور آدم به عنوان حامل همه‌ی اسماء نتوانست نظر به همه‌ی اسماء بکند و ظرفیت خود را کامل نماید. مثل همان «بلعم باعورایی» که می‌فرمایید. موفق باشید